

مطالعه تطبیقی ماهیت نفع بیمه‌پذیر در بیمه‌های خسارت در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

محسن ایزانلو^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۰۴

فریبا فولادگر^۲

چکیده

نفع بیمه‌پذیر به عنوان رکن اساسی و وجه ممیزه قرارداد بیمه از شرط‌بندی و قمار است. نفع به عنوان عنصر ضروری قرارداد در ماده ۴ قانون بیمه ایران و در حوزه بیمه خسارت مورد اشاره قرار گرفته، اما در ادبیات حقوقی ما به صورت مستقل تحت عنوان «نفع بیمه‌پذیر» مورد بحث و بررسی واقع نشده است، لذا پرداختن به ابعاد مفهومی و مصادیقی آن در حقوق ایران با توجه به نقش اساسی آن در قرارداد بیمه، امری ضروری می‌نماید. این مقاله با روشی تطبیقی با هدف تبیین ماهیت و مصادیق این مفهوم اساسی بیمه‌ای در بیمه‌های خسارت بر آن است تا قلمرو نفع بیمه‌پذیر را در این حوزه و با مقایسه با حقوق انگلستان و فرانسه مورد بررسی قرار دهد و مفهومی روشن از نفع بیمه‌پذیر در حقوق ایران ارائه نماید. نفع بیمه‌پذیر به موجب ماده ۴ قانون بیمه ایران هرگونه حق مالی را در برمی‌گیرد، اما تمسک به عموم ماده فوق مستلزم واکاوی دقیق هر یک از مصادیق حق مالی در نظام حقوقی کشور است.

واژگان کلیدی: نفع بیمه‌پذیر، خطر، حقوق عینی، حقوق دینی، مسئولیت حقوقی

۱. مقدمه

به‌طور کلی در تحقق عقد بیمه سه مفهوم کلیدی مطرح می‌گردد: «خطر»، «حق بیمه» و «حادثه». در این میان مفهوم نخست، اهمیت قابل ملاحظه‌ای در مباحث بیمه دارد (بابایی، ۱۳۸۷) و می‌تواند در شناسایی جایگاه «نفع بیمه‌پذیر»^۱ نقش بسزایی داشته باشد. نفع بیمه‌پذیر به عنوان یکی از ضروریات قرارداد، نه تنها در بیمه‌های خسارت بلکه در حوزه بیمه‌های اشخاص از اهمیت غیرقابل انکاری برخوردار است تا جایی که نویسندگان حقوقی به ویژه در کامن‌لا به بررسی ابعاد این مفهوم و تأثیر آن بر قراردادهای بیمه‌های اشخاص نیز توجه قابل ملاحظه‌ای معطوف داشته‌اند. به عنوان نمونه ماده یک از «قانون بیمه عمر ۱۷۷۴^۲ انگلیس» بر این نکته که بیمه‌گذار باید دارای نفع در حیات بیمه‌شده باشد، تأکید دارد. با توجه به آنچه گفته شد به دلیل تنوع مصادیق نفع در هریک از دو حوزه بیمه‌های خسارت و اشخاص و لزوم بررسی جداگانه نفع بیمه‌پذیر در هر یک از این دو حوزه، این مقاله تنها بر تبیین ماهیت و مصادیق نفع در بیمه‌های خسارت تمرکز دارد و لازم است نفع بیمه‌پذیر و ضرورت آن در بیمه‌های اشخاص در مجالی دیگر به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد.^۳

۲. مفهوم نفع بیمه‌پذیر و دارنده آن

۲-۱. مفهوم نفع بیمه‌پذیر

همان‌گونه که در مقدمه گفته شد در ایران بررسی مفهوم و ماهیت دقیق نفع بیمه‌پذیر به عنوان رکن اساسی قرارداد بیمه، امری ضروری می‌نماید؛ در این رابطه تنها می‌توان از میان قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی و شورای عالی بیمه به ارائه چهارچوب و قلمرو این نفع در نظام حقوقی کشور دست یافت.

1. Insurable Interest

2. Life Assurance Act 1774

۳. برای مطالعه بیشتر در رابطه با مفهوم و مصادیق نفع بیمه‌پذیر در بیمه‌های اشخاص ر.ک به: فولادگر، ۱۳۹۱

صریح‌ترین ماده قانونی در این رابطه، ماده ۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ است که بر لزوم ذینفع بودن بیمه‌گذار در موضوع بیمه در بیمه‌های خسارت، تأکید می‌کند.^۱ به دلالت سطر پایانی این ماده، مفهوم نفع، ارتباط نزدیکی با مفهوم خطر در بیمه دارد، بدین معنی که بیمه‌گذار زمانی نفع در بقای مال خواهد داشت که از وقوع خطر یا حادثه احتمالی به جهت پیامدهای مالی ناشی از آن بهرآسد و به عبارت بهتر «نفع در عدم وقوع خطر» داشته باشد (فولادگر، ۱۳۹۱). در تأیید پیوستگی خطر و نفع، گفته شده است که نفع بیمه‌ای، نوعی ارزش مالی یا حق مالی یا توانایی کارکردن و تحصیل درآمد یا هر هزینه‌ای است که در نتیجه وقوع خطر، مورد تهدید قرار می‌گیرد (محمودصالحی، ۱۳۶۷). در واقع ترس از پیامدهای مالی ناشی از حادثه احتمالی، بیمه‌شده را در موقعیتی قرار می‌دهد که در انعقاد قرارداد بیمه ذینفع باشد و بیمه‌گر در صدد است تا با ضرر ناشی از موقعیت خطرناک مقابله کند.

با توجه به اینکه قانون بیمه ایران از قانون بیمه فرانسه اقتباس گردیده است و با توجه به سکوت قانون‌گذار و عدم امکان تفسیر قانونی با ملاحظه مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در هنگام تصویب این ماده، لازم است برای تنویر بیشتر موضوع و تعیین ماهیت نفع بیمه‌ای، پیشینه نفع در حقوق فرانسه مورد بررسی قرار گیرد. عبارات ماده ۶-۱۲۱ قانون بیمه فرانسه منبعث از «قانون راجع به قرارداد بیمه» مصوب ۱۹۳۰^۲ به نحو گویایی نزدیکی و ارتباط مفهوم نفع و خطر را بیان می‌کند: «هر شخصی که در حفظ مال نفع دارد می‌تواند بیمه تحصیل کند. هر نفع مستقیم یا غیرمستقیم در عدم وقوع خطر می‌تواند موضوع بیمه واقع شود»^۳.

۱. موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هرنوع مسئولیت حقوقی، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد، ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن، بیمه‌گذار متضرر می‌گردد.

2. LOI DU 13 JUILLET 1930 relative au contrat d'assurance.

3. Code des assurances, Créé par la Loi n°95-101 du 2 février 1995 - art. 17 JORF 3 février 1995.

ملاحظه می‌شود که نفع در حقوق این کشور همچون ماده ۴ قانون بیمه ایران به عنوان «موضوع قرارداد بیمه»^۱ در نظر گرفته شده است؛ همین امر سبب شده است تا تعاریف دکترین این کشور نیز گاه به سمت و سوی تلفیق مفهوم نفع و موضوع قرارداد متمایل شود (Groutel and Leduc, 2008). بدین معنی که آنچه موضوع بیمه را در بیمه‌های خسارت تشکیل می‌دهد، نه مال مورد بیمه بلکه همان منافع متنوعی تلقی شود که بیمه‌گذار یا ذینفع بیمه در عدم وقوع خطر خواهند داشت.

بی‌تردید آنچه قرارداد بیمه را از قمار^۲ یا شرط‌بندی^۳ متمایز ساخته و بدان اعتبار می‌بخشد، معیار نفع بیمه‌ای است. مفهوم نفع در حقوق بیمه بیش از هر چیز با «خطر»^۴ درآمیخته و بدان وابسته است. در حالی که شرط‌بندی انتظار دریافت مبالغ قابل ملاحظه‌ای پول در صورت تحقق «حادثه»^۵ است، در قرارداد بیمه تأمین بیمه‌گذار در مقابل پیامدهای مالی ناشی از تحقق حادثه مورد نظر است. موقعیت خطرناک و ترس از پیامدهای ناشی از آن نه تنها بیمه‌گذار صاحب نفع را از وسوسه تخریب مال و مخاطرات اخلاقی و عامدانه مصون می‌دارد بلکه مهم‌تر از آن از اختلاط قرارداد بیمه با قمار و شرط‌بندی جلوگیری می‌کند (Provost, 2009).^۶

1. Objet de l'assurance
2. Jue
3. Pari
4. Risque
5. Hasard

۶. توضیح آنکه قمار و شرط‌بندی دو نوع از قراردادهای احتمالی محسوب می‌شوند که تفاوت آنها در فعال یا منفعل بودن عامل آن است. به عبارت بهتر قمارباز، فعال است؛ بدین معنا که برای برنده شدن ناگزیر است تا استعدادهای فیزیکی و فکری خود را به کارگیرد. این در حالی است که در شرط‌بندی، شخص کاملاً منفعل است و تنها در انتظار وقوع حادثه‌ای احتمالی به سر می‌برد تا با تحقق آن، ثروتی بادآورده را به غنیمت برد. در این میان گاه بیمه‌گذار همچون قمارباز نقش فعالی در وقوع حادثه برعهده می‌گیرد و خود سبب وقوع آن و به تبع ورود خسارت به قربانی می‌شود و گاه بیمه‌گذار در موقعیت شرط‌بندی قرار می‌گیرد و بر احتمال تحقق حوادث طبیعی و کسب سود ناشی از عواید بیمه چشم می‌دوزد. همین امر موجب می‌شود که حقوق‌دانان برای تعیین حد و مرز قرارداد بیمه با شرط‌بندی و قمار به معیار نفع بیمه‌ای و عنصر خطر در قرارداد بیمه متمسک شوند (Provost, 2009).

به عبارت دیگر در قمار هیچ یک از دو طرف بازی غیر از گروبی که ممکن است آن را به غنیمت برد، نفع دیگری ندارد (Patterson, 1918).^۱ در حقوق انگلیس تعریف سنتی از نفع بیمه‌پذیر به قضیه «لوسنا»^۲ باز می‌گردد (Ivamy, 1972) که در آن، نفع تنها به عنوان رابطه مستقیم مبتنی بر انصاف یا کامن‌لا^۳ میان بیمه‌گذار و مال مورد بیمه معرفی گردید. صد سال بعد، این مفهوم در ماده ۵ «قانون بیمه دریایی»^۴ ۱۹۰۶ قالب قانونی به خود گرفت^۵ و شخصی را در انعقاد قرارداد بیمه ذینفع دانست که رابطه‌ای حقوقی یا مبتنی بر انصاف با مال «در معرض خطر» داشته باشد. برخی از نویسندگان حقوق فرانسه بر این باورند که ارائه مفهوم نفع با عبارات حقوقی موجب پیچیدگی آن و جایگزین کردن مفهوم عرفی و قابل فهم آن با مفاهیم علمی و غیرضروری خواهد شد. لذا ماهیت نفع بیمه‌پذیر را به فهم عرفی و بی‌واسطه آن در نظر عموم واگذار می‌کنند. با این وجود ارائه مفهوم حقوقی از نفع، امری انکارناپذیر است و منطبق حقوقی نیز بر چنین ضرورتی تأکید دارد (Groutel and Leduc, 2008).

۱. هر چند در قمار، شرط‌بندی و قرارداد بیمه عنصر احتمال مشترک است لکن غیر اخلاقی بودن قمار و شرط‌بندی عامل دیگر تمایز آنها با قرارداد بیمه است چه آنکه قمار موجب بی‌ثمری اجتماعی، بطالت، بیکاری و مخل نظم عمومی جامعه خواهد بود (Best jr, 1986).
از سوی دیگر مهم‌ترین خاصیت قرارداد بیمه، اثر تأمینی آن است که در جهت ایجاد امنیت روانی و ذهنی شخص صاحب نفع عمل می‌کند و به آرامش اجتماعی می‌انجامد، حال آنکه قمارباز پیوسته در دغدغه باختن و نابودی دارایی خود به سر می‌برد (صادقی نشاط، ۱۳۷۲).

2. Lucena v. Craufurd (1806) 2 BOS & P N R 269

3. Legal & Equitable Relation

4. Marine Insurance Act (1906)

۵. در حقوق انگلستان، نفع مبتنی بر کامن‌لا به کلیه منافع اطلاق می‌شود که به موجب تصمیم دادگاه‌های کامن‌لا مورد شناسایی قرار گرفته است، درحالی‌که نفع مبتنی بر انصاف همان نفعی است که دادگاه انصاف آن را در مقابل دارنده عنوان قانونی شناسایی نموده است و در مقابل ثالث با حسن نیت غیر مطلع، قابل استناد و معتبر نمی‌باشد.

به طور کلی نفع بیمه‌ای در اکثر نظام‌های حقوقی، دارای معنایی اقتصادی است. نفع اقتصادی، مستلزم وجود نگرانی از کاهش دارایی مثبت یا افزایش دارایی منفی ذینفع قرارداد بیمه است؛ نفع در عدم کاهش دارایی مثبت در بیمه‌های خسارت و بیمه‌های اشخاصی که دارای ماهیت جبران خسارت است^۱، مطرح می‌گردد. از سوی دیگر دغدغه افزایش دارایی منفی، می‌تواند موجب نفع بیمه‌پذیر برای بیمه‌گذار در بیمه‌های مسئولیت تلقی شود.

۲-۲. دارنده نفع بیمه‌پذیر

پس از آشنایی با مفهوم نفع، تعیین اینکه در قرارداد بیمه چه کسی باید دارای نفع بیمه‌پذیر باشد، اهمیت فراوانی دارد. در قرارداد بیمه ممکن است اشخاص مختلفی دخالت داشته باشند: بیمه‌گذار، بیمه‌شده و ذینفع بیمه‌نامه. اینکه داشتن نفع بیمه‌ای برای کدام یک از این اشخاص، شرط ضروری اعتبار قرارداد است، نیازمند بررسی و تحلیل حقوقی است. در حوزه بیمه خسارت، قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلیس تنها از ضرورت داشتن نفع «بیمه‌گذار» سخن می‌گوید.

ماده ۱-۱۲۱ قانون بیمه فرانسه به تصریح از جبران خسارت «بیمه‌شده»^۲ سخن می‌گوید.^۳ در واقع قانون‌گذار فرانسه با این فرض که ذینفع واقعی قرارداد بیمه خسارت، تنها می‌تواند در هیئت «بیمه‌شده» متصور باشد، چنین مقرره‌ای را پیش‌بینی نموده است. لذا در فرضی که ذینفع غیر از بیمه‌شده تعیین گردد، از دریافت مبالغ خسارت محروم خواهد بود.

۱. مانند بیمه‌های حوادث بدنی و بیمه‌های درمانی: در این بیمه‌ها ترس از کاهش دارایی مثبت در نتیجه انباشته شدن هزینه‌های درمانی، موجب نفع بیمه‌پذیر است.

2. Assuré

۳. بیمه مربوط به اموال، قراردادی برای جبران خسارت وارده به بیمه‌شده است که نمی‌تواند از ارزش مال بیمه‌شده در لحظه خطر افزون باشد.

ماده ۴ قانون بیمه ایران، تنها به ذکر لزوم ذینفعی «بیمه‌گذار» در بیمه‌های خسارت تأکید دارد؛ به تعبیر دیگر در این ماده برای اعتبار قرارداد کافی است «بیمه‌گذار» نفع بیمه‌پذیر در انعقاد قرارداد داشته باشد. این ظاهر را نمی‌توان ملاک عمل قرار داد. چه آنکه این ماده مقرر می‌دارد که بیمه‌گذار باید در بقای مال موضوع بیمه «ذینفع» باشد که در این صورت بیمه‌گذار ذینفع، شخصی غیر از بیمه‌شده نخواهد بود.

لذا با توجه به آنچه گفته شد لازمه احراز نفع بیمه‌ای آن است که ذینفع قرارداد بیمه دارای نفع بیمه‌پذیر در موضوع قرارداد باشد. توضیح آنکه از آنجایی که بیمه‌شده همیشه همان شخصی است که بر دارایی در معرض خطر او بیمه منعقد می‌شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند به احتمال انعقاد شرطبندی بیمه‌ای متهم شود؛ زیرا به عنوان نمونه در مواردی که پدری ملک متعلق به فرزندش را به سود خود او بیمه می‌کند، شائبه شرطبندی بر دارایی غیر منتفی است ولی در فرضی که عنوان ذینفع به شخصی غیر از بیمه‌شده تعلق گیرد مثلاً پدری ملک فرزندش را به سود ثالث بیمه کند، در این صورت خطر شرطبندی بر دارایی غیر، متصور است؛ زیرا ذینفع ثالث حقیقتاً در معرض خطر قرار ندارد، لذا نفعی برای او نمی‌توان در نظر گرفت و مطالبه خسارت از سوی او بی‌معناست. ضمن اینکه بیمه‌شده در این فرض هیچ سودی به غنیمت نمی‌برد. از این رو به نظر می‌رسد برای تحقق اهداف نفع بیمه‌ای لازم است که «ذینفع قرارداد بیمه»، چنین نفعی را داشته باشد.

۳. مصادیق نفع بیمه‌پذیر در بیمه‌های خسارت

۳-۱. حقوق عینی اصلی

نفع بیمه‌ای در رابطه با حقوق عینی، سابقه‌ای طولانی دارد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که در ابتدای شکل‌گیری این مفهوم در حقوق انگلستان، نفع تنها در حوزه این نوع از حقوق مطرح می‌گردید. در این قسمت به نمونه‌هایی از مصادیق حقوق عینی بیمه‌پذیر اشاره خواهیم کرد:

– حق مالکیت بر عین

به صراحت ماده ۲۹ قانون مدنی از مهم‌ترین حقوق عینی، حق مالکانه اعم از مالکیت نسبت به عین یا منفعت است. ماده ۳۰ قانون مدنی، مالک عین را نسبت به مایملک خود مستحق هر گونه تصرف و انتفاع اعلام می‌کند که تحصیل بیمه‌نامه نسبت به مایملک هر شخص از مصادیق تصرف حقوقی در آن مال محسوب می‌شود. از این رو در قابلیت بیمه نمودن نفع مالکانه، هیچ تردیدی وجود ندارد. بر خلاف نظام حقوقی ایران در حقوق انگلستان صرف تصرف در مال، به شخص متصرف، نفعی بیمه‌پذیر در آن می‌بخشد. به موجب رأی صادره در سال ۱۸۰۹ یابنده مال می‌تواند آن را تحت پوشش بیمه قرار دهد، بر این اساس که در حقوق این کشور تصرف، ریشه «مالکانه حقوقی»^۱ دارد؛ حقی که تنها از سوی مالک حقیقی مال قابل اعتراض تلقی می‌شود (Birds and Hird, 2001).

به همین قیاس همان‌گونه که یابنده مال می‌تواند آن را تماماً بیمه کند، متصرفی نیز که در معرض اعتراض مالک اصلی قرار داشته و «تصرف نامعتبری»^۲ در آن مال دارد، در تحصیل بیمه‌نامه بر آن، مستحق، تشخیص داده شده است^۳ (Macgillivray, 1990).

در حقوق فرانسه با توجه به ماده ۶-۱۲۱ قانون بیمه، نفع بیمه‌ای در معنایی وسیع در نظر گرفته شده است و هرگونه «نفع مستقیم یا غیرمستقیم» در رابطه با مال بیمه‌شده را بیمه‌پذیر معرفی می‌کند. تا جایی که به زعم برخی از نویسندگان، حتی سارقی که قصد تصرف مالکانه در مال مسروقه را دارد، می‌تواند نسبت بدان، قرارداد بیمه تحصیل کند^۴ (Provost, 2009).

1. Legal Title

2. Voidable Title

۳. رویه قضایی آمریکا و کانادا بر آنند که «تصرفات غیرقانونی» (Wrongful Possession) نمی‌تواند اساس نفع بیمه‌پذیر را تشکیل دهد.

4. Selon nous, le possesseur de mauvaise foi détient un intérêt d'assurance mais le contrat est nul pour cause illicite.

در حقوق ایران طبق ماده ۳۵ قانون مدنی، تصرف به عنوان مالکیت تا زمانی که استقرار دارد و غیرقانونی بودن تصرفات و به عبارت بهتر خلاف اماره تصرف ثابت نشده است، نشانه مالکیت و به تبع بیمه‌پذیر است. اما بر خلاف حقوق انگلیس و فرانسه با توجه به محدود ماندن نفع در قانون بیمه به هرگونه «حق مالی»، تحصیل بیمه‌نامه از سوی متصرف غیرقانونی ممکن به نظر نمی‌رسد. زیرا ماده ۱۳۵ قانون مدنی نه تنها غاصب را صاحب هیچ حقی تلقی نمی‌کند، بلکه برای او مسئولیتی مطلق در نظر می‌گیرد و او را «مسئول هرگونه نقص یا عیب وارده به مال در زمان تصرفش» معرفی می‌نماید. لذا شخص مزبور را نمی‌توان از حیث تصرفات غیرقانونی‌اش در مال، صاحب حق و نفع بیمه‌پذیر محسوب کرد.

در رابطه با دیگر نمونه حقوق بیمه‌پذیر، می‌توان به روابط خریدار و فروشنده اشاره کرد؛ خریدار و فروشنده ممکن است در برخی شرایط به طور هم‌زمان نفع بیمه‌ای داشته باشند و بتوانند تمام ارزش مال مورد بیمه را مطالبه کنند. در حقوق ایران، مالکیت به محض ایجاب و قبول منتقل می‌شود و قبض جز در موارد خاص شرط صحت عقد نیست. بنابراین در مواردی که به موجب عقد بیع، مالکیت به خریدار منتقل می‌شود، شخص مزبور در آن مال، نفعی بیمه‌پذیر به دست می‌آورد. این بدان معنا نیست که فروشنده به محض انتقال مالکیت، نسبت به تحصیل بیمه‌نامه بر آن مال، فاقد نفع تلقی شود، بلکه با توجه به عدم انتقال ضمان هم‌زمان با انتقال مالکیت در حقوق ما، فرض نفع بیمه‌ای برای فروشنده، از جهت ضمان معاوضی نسبت بدان معامله، همچنان موجود است. لازم به ذکر است که هرچند خریدار به سبب حق مالکانه خود حق انعقاد قرارداد بیمه بر آن مال را دارد، اما حق مزبور نمی‌تواند تا جایی پیش رود که منجر به جمع عوض و معوض گردد و او را نسبت به رجوع به فروشنده مسئول ضمان معاوضی از یک سو و بیمه‌گر مال مورد بیمه از سوی دیگر مستحق سازد.

تصور نفع برای خریدار تا پیش از انتقال ضمان، از آن جهت که موجب امکان جمع عوضین در دست خریدار می‌شود، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. بنابراین در توجیه این موضوع می‌توان گفت که تلف مبیع پس از پرداخت ثمن به فروشنده و قبل از تسلیم مبیع، مشتری را در معرض خطر اعسار فروشنده و محرومیت وی از استرداد ثمن قرار می‌دهد و لذا از این جهت می‌توان نفع بیمه‌پذیر برای تحصیل بیمه اعتباری برای خریدار قابل تصور دانست.

در حقوق ایران موضوع تصرف فروشنده در مبیع پس از نقل مالکیت، از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته و انواع مسئولیت‌ها را بر شخص فروشنده تحمیل نموده است که زمینه را برای قابلیت تحصیل بیمه‌نامه از سوی وی فراهم می‌سازد. بارزترین مسئولیت فروشنده به لحاظ قراردادی، تحت عنوان «تلف مبیع قبل از قبض» مطرح گردیده است. فرض ماده ۳۸۷ قانون مدنی از نمونه‌های مسئولیت قراردادی فروشنده است که به موجب آن تلف مبیع قبل از قبض بدون تقصیر و اهمال بایع از اسباب انفساخ قرارداد محسوب می‌شود و به تبع فروشنده را به تحمل ضرر ناشی از انفساخ و استرداد ثمن معامله به مشتری مجبور می‌سازد. بی‌تردید چنین مسئولیتی موجب تحمل خسارت بر بایع و افزایش دارایی‌های منفی او خواهد شد. لذا وی می‌تواند مال مورد معامله را به جهت نفعی که می‌تواند در بقای آن برای وی متصور بود، مورد بیمه قرار دهد. لذا بایع می‌تواند مسئولیت خود را در قبال مشتری نسبت به استرداد ثمن و پرداخت ارزش قراردادی مال مورد معامله، تحت پوشش قرار دهد.

به علاوه حتی در مواردی که هیچ ثمنی به بایع پرداخت نشده است، فروشنده می‌تواند مطابق با شرایط قراردادی از بیمه‌گر بخواهد که نسبت به تلف مال مورد معامله قبل از تحویل آن به خریدار، برای پرداخت ارزش قراردادی مال مزبور و نه قیمت بازاری آن متعهد گردد زیرا تنها در این صورت است که می‌توان ادعا کرد که از فروشنده به طور کامل رفع خسارت شده است (بابایی، ۱۳۸۷).

در حقوق انگلستان با توجه به قواعد حاکم بر بیع، اگر در هنگام انتقال، ضمان به خریدار منتقل شود، اما فروشنده ثمنی را دریافت نکرده و تنها حق وثیقه‌ای نسبت به مال مورد معامله از جهت پرداخت ثمن قراردادی داشته باشد، در این صورت از یک سو خریدار به میزان کل ارزش مال، نفع بیمه‌پذیر نسبت به بقای آن خواهد داشت و فروشنده نیز از جهت وثیقه‌ای که نسبت به مال دارد دارای نفع خواهد بود؛ زیرا ورود ضرر به مبیع به معنی ورود ضرر به ثمن قراردادی فروشنده در فرض اعسار خریدار است (Macgillivray, 1990).

در حقوق این کشور رسمیت دادن به چنین حقی صرفاً به دلیل حق قانونی فروشنده نسبت به مال نیست، بلکه به موجب مقررات ماده ۴۷ قانون حقوق اموال ۱۹۲۵^۱، فروشنده تا پیش از دریافت ثمن نسبت به مال مورد معامله نفع مالی به عنوان وثیقه پرداخت ثمن خواهد داشت. همانطور که ملاحظه می‌شود حق مزبور به حکم قانون برای فروشنده به رسمیت شناخته شده و به تبع نفع بیمه‌پذیر برای او شکل گرفته است. اما چنانچه فروشنده، کالاها را پیش از وقوع حادثه به خریدار تسلیم نموده و ثمن را دریافت کرده باشد، فاقد نفع بیمه‌ای در مورد معامله و محروم از دریافت خسارت می‌گردد.

- **حق مالکیت بر منافع:** مستأجر به موجب ماده ۴۶۶ قانون مدنی مالک منافع عین مستأجره تلقی می‌شود و علی‌القاعده بر همین مبنا می‌توان برای او نفعی بیمه‌پذیر تصور نمود. اما در رابطه با امکان انعقاد قرارداد نسبت به منافع تحت تملک، ممکن است ابهاماتی به‌وجود آید. زیرا در صورت تلف عین مستأجره، وی مالی را از دست نمی‌دهد و در واقع در صورت تلف مال، مالک اصلی، متحمل ضرر از دست دادن دارایی‌های مثبت خود می‌گردد. در این صورت باید دانست که چه نفعی از مستأجر در معرض خطر قرار دارد تا جایی که به او اجازه انعقاد قرارداد بیمه را نسبت به مال متعلق به غیر اعطا می‌کند؟

در حقیقت نفع مستأجر، دربردارنده منافعی است که وی از جهت تصرف در مال از آن برخوردار است. تعیین میزان نفع مستأجر از این جهت، به راحتی قابل تخمین نیست. لذا می‌توان از معیار میزان اجاره‌بهای پرداختی استفاده کرد. از آنجایی که در حقوق انگلیس حتی تلف مال، نمی‌تواند موجب رفع مسئولیت مستأجر به پرداخت اجاره بها گردد (مگر شرط مخالف شده باشد)، نفع مستأجر را در بقای مال می‌توان تا میزان کل اجاره بهایی که تا پایان مدت باید پردازد، متصور دانست (Macgillivray, 1990).

تعهد مستأجر به تعمیر یا بیمه نمودن مال مانع از آن نیست که برای موجر نیز نفعی به میزان کل ارزش مال در نظر گرفته شود. زیرا ریسک قصور مستأجر در رعایت شروط قرارداد، همیشه قابل پیش‌بینی است و این موضوع می‌تواند موجر را در معرض خطر کاهش دارایی قرار دهد (Birds and Hird, 2001).

اما در حقوق ایران به موجب ماده ۴۸۳ قانون مدنی به محض تلف، عقد اجاره منفسخ و به تبع، مسئولیت پرداخت اجاره‌بها منتفی می‌گردد. لذا نفع مستأجر را برای انعقاد قرارداد بیمه تنها می‌توان در هزینه‌های نقل مکان و تفاوت اجاره‌بهای مال‌الاجاره سابق و مال‌الاجاره مشابه آن خلاصه کرد.

- صاحبان حق انتفاع: صاحبان حق انتفاع اعم از منتفع در عقد عمری، رقبی و سکنی می‌توانند به عنوان ذینفع در حفظ مال مبادرت به انعقاد عقد بیمه کنند. زیرا به دلالت مواد ۴۰ به بعد قانون مدنی، انواع عقود مزبور موجب نوعی «حق مالی» برای منتفع خواهد بود و به تجویز ماده ۴ قانون بیمه، بیمه‌پذیر تلقی می‌شود.

در حقوق انگلستان، ذینفعان تراست^۱ از نفعی مبتنی بر انصاف برخوردار هستند؛ نفعی که آنها را نسبت به عواید و درآمدهای ناشی از اجاره یا تصرفات در مال مورد تراست، مستحق می‌سازد. نفعی که در مقابل هر شخص جز خریدار با حسن نیت غیرمطلع قابل استناد است (Macgillivray, 1990).

۲-۳. حقوق عینی تبعی

فرض ماده ۷ قانون بیمه ایران، ناظر به نوع دیگری از نفع، یعنی حقوق عینی مرتهن و امکان تصور نفع بیمه‌ای برای وی است. ماده مزبور به طلبکار دارای وثیقه یا رهن اجازه می‌دهد تا مال مرهونه را تحت شمول بیمه قرار دهد. در این صورت طلبکار به محض تحقق حادثه موضوع بیمه، از محل خسارات پرداخت شده توسط بیمه‌گر، مقدم بر صاحب مال، طلب خود را وصول می‌کند و مابقی مبالغ بیمه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت.^۱

در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دور دهم^۲ در رابطه با این ماده، پس از بیان عدم ضرورت صاحب مال بودن بیمه‌گذار بر این نکته تأکید شده است که نه تنها صاحب مال بلکه هر شخصی که در حفظ مال نفعی داشته باشد عقلاً می‌تواند به مناسبت آن، برای خود قرارداد بیمه منعقد سازد و از جمله ذینفعان مال به مرتهن اشاره شده است که از جهت علاقه‌ای که به آن مال دارد و گریز از ریسک عدم وصول طلب خود در صورت اتلاف مال، می‌تواند بر آن مال، بیمه‌نامه تحصیل نماید.

ماده ۱۴ قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان تصریح می‌کند که در مواردی که مال موضوع بیمه در رهن است، رهن به میزان کل ارزش متعلق بدان و مرتهن به میزان مقدار بدهی موضوع عقد رهن، نفع بیمه‌ای دارد. بند دو همین ماده به مرتهن، مرسل‌الیه و هر شخص واجد نفع اجازه می‌دهد که همان‌گونه که به نفع خود بیمه تحصیل می‌کند از طرف شخص دارای نفع دیگری، غیر از خود یا به نفع او قرارداد بیمه منعقد کند. در خصوص میزان نفع مرتهن در مال مرهونه در حقوق انگلستان،

۱. «طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه کند، در این صورت هرگاه حادثه‌ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه‌گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه‌گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت.

2. http://www.ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&term=18 & Itemid = 3, (11/12/1391)

احتمال استحقاق مرتهن برای مطالبه به میزان تمام ارزش مال بیمه‌شده، مورد توجه برخی نویسندگان قرار گرفته است. به این توضیح که انعقاد بیمه از سوی مرتهن صرفاً تضمین بدهی او نیست، بلکه بیمه‌ای است بر وثیقه و آنچه در گرو اوست. بدین معنی که او نسبت به عدم تقلیل ارزش مورد رهن به واسطه آتش‌سوزی یا تحولات بازار و سایر حوادث، ذینفع است (Macgillivray, 1990). زیرا گاه کاهش ارزش مال مرهونه می‌تواند برای مرتهن خطرناک باشد و او را در معرض عدم امکان دریافت تمام طلبش قرار دهد.^۱

دیدگاه فوق هر چند قابل پذیرش به نظر می‌رسد، اما در برخی فروض می‌تواند نگران‌کننده و محل تأمل باشد. می‌توان فرضی را در نظر گرفت که مالی وثیقه طلب چندین طلبکار است و یکی از مرتهنین، مال مرهونه را به میزان کل ارزش آن تحت بیمه قرار می‌دهد. در این فرض در صورت بقای عین مرهونه، بیمه‌گذار در کنار سایر مرتهنین تنها سهم گرمایی خود را می‌برد و چه بسا نتواند کلیه حقوق خود را دریافت دارد. این در حالی است که در صورت تلف مرهونه به واسطه حوادث موضوع بیمه‌نامه، بیمه‌گذار می‌تواند به بیمه‌گر تا میزان ارزش مال بیمه‌شده مراجعه کند و مطالبات خود را تماماً وصول نماید. لذا در جایی که مرتهن به میزان طلب خود یا معادل کل ارزش مال، عین مرهونه را بیمه می‌کند، این پرسش قابل طرح است که آیا مرتهن تنها به میزان سهمش از مال مرهونه، حق مطالبه خسارت از بیمه‌گر را دارد یا به میزان کل ارزش مال؟

۱. در همین زمینه دادگاه تجدید نظر نیویورک نیز اعلام کرد که مرتهن نسبت به تمام ارزش مال بیمه‌شده حق مطالبه خسارت از بیمه‌گر را خواهد داشت هر چند پس از وقوع ضرر، بتواند از باقی‌مانده مال خسارت‌دیده، طلب خود را استیفا کند. زیرا مرتهن می‌تواند ادعا کند که وثیقه وی هر چند کفایت طلب او را خواهد کرد ولی قرارداد بیمه او، نسبت به همین کاهش ارزش مورد بیمه بوده است. برای مطالعه بیشتر ر.

به:

Kernochan v. New York Bowery, (17 N.Y. App. 428, 441(1858)), (Macgillivray, 1990)

پاسخ به این پرسش نه از مجرای مفهوم نفع بیمه‌ای که با اعمال اصل جبران خسارت امکان‌پذیر است. توضیح آنکه هر چند امکان تحصیل بیمه‌نامه از سوی مرتهن و به میزان کل ارزش مال یا کلیه مطالبات مرتهن می‌تواند تمامی خسارات وارده به بیمه‌گذار را جبران نماید، اما وسوسه اتلاف مال مرهونه را تقویت می‌کند. برای مقابله با این موضوع، اصل جبران خسارت ایجاب می‌کند که بیمه‌گذار تنها تا میزان ضرری که واقعاً متحمل شده حق مطالبه داشته باشد. به عبارت بهتر در این مورد تلف مال مرهونه، مرتهن را تا محدوده سهم گرمایی وی متضرر ساخته است؛ زیرا در فرض بقای مال نیز نسبت به بیشتر از این میزان، استحقاق مطالبه نداشت. در واقع اصل جبران خسارت با ارزیابی ضرر واقعی وارده به بیمه‌گذار تعهد بیمه‌گر را محدود می‌کند و از بیش‌بیمه‌گی در حوزه بیمه جلوگیری می‌کند. لذا به‌نظر می‌رسد در این مورد اصل جبران خسارت با احتمال مخاطره اخلاقی و ثروت‌اندوزی بیمه‌گذار مقابله خواهد کرد.

۳-۳. حقوق دینی

- حق طلبکار نسبت به دارایی مدیون: نفع بیمه‌پذیر در حقوق انگلستان در ابتدا تنها در حقوق عینی متصور بود تا اینکه محدود ماندن مفهوم نفع بیمه‌ای به این حقوق، نخستین بار در کشور پرتغال مورد انتقاد قرار گرفت. انتقادات وارده به محدود نمودن نفع بیمه‌ای به حقوق عینی، به تدریج رویه قضایی انگلستان را واداشت تا به بازشناسی سایر حقوق مالی به عنوان نفع بیمه‌پذیر بپردازد (Provost, 2009).

حق طلبکار نسبت به بدهکار نوعی حق شخصی و دینی است که طلبکار را نسبت به شخص بدهکار مستحق می‌سازد و تنها به صورت غیرمستقیم نسبت به اشیا اعمال می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵). بر خلاف حق عینی، طلبکار تنها به شخص مدیون حق رجوع دارد و نمی‌تواند پیش از اقدام به توقیف اموال مدیون، نسبت بدان، حق تقدم یا تعقیب برای خود قائل باشد و لذا آنچه پیش از اقدام او به دارایی دیگران انتقال یافته، از تعرض طلبکار مصون است.

از طرفی در رابطه با حقوق ممتازه که مستلزم حق تقدم نسبت به سایر طلبکاران می‌باشد، همین تردید قابل طرح است. چراکه دیون ممتاز عبارت است از دیونی که در پرداخت و اختصاص سهمی از دارایی مثبت مدیون به خود، دارای تقدم است هرچند دربردارنده هیچ حق تعقیبی نسبت به مال معینی از بدهکار نیست (دهقانی، ۱۳۸۹). همین امر سبب می‌گردد که در رابطه با امکان تحصیل بیمه‌نامه از سوی طلبکار بدون وثیقه نسبت به اموال بدهکار، تردید حاصل شود.

ماده ۷ قانون بیمه ایران نیز تنها از توانایی دائن با وثیقه یا دارای حق رهن برای انعقاد قرارداد بیمه سخن به میان آورده و درخصوص نفع طلبکار عادی یا طلبکار دارای حق ممتازه برای تحصیل بیمه‌نامه به سود خود ساکت است. از سوی دیگر از عموم ماده ۴ همین قانون مبنی بر تجویز انعقاد بیمه بر «هر حق مالی»، می‌توان حق دینی طلبکار را نیز نسبت به دارایی بدهکار بیمه‌پذیر تلقی کرد. اما این سؤال همچنان باقی است که کدام بخش از دارایی یا اموال مدیون، می‌تواند موضوع قرارداد بیمه واقع شود؟ مجموع دارایی متغیر و در معرض کاستی و فزونی بدهکار چگونه می‌تواند به عنوان موضوع قرارداد بیمه، تحت پوشش قرار گیرد؟ اگرچه در فرضی که طلبکار، مالی از اموال بدهکار را در وثیقه دارد، به میزان طلب خود در آن، نفع بیمه‌پذیر برای او متصور است، اما در نبود چنین رابطه‌ای، او نمی‌تواند تنها به این دلیل که ورود خسارت به اموال مدیون، شانس ایفای کامل طلب وی را با مشکل مواجه می‌سازد، مدعی هیچ نفعی بر دارایی بدهکار خود باشد (Macgillivray, 1990). بی‌تردید این نفع هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان، برای قابلیت بیمه‌گذاری، بسیار دور و غیرقطعی و در عین حال بعید است. در آمریکا در سال ۱۸۷۵ در دعوی «رهریچ»^۱ به طلبکار نفعی گسترده داده شد (Goble, 1931) تا در مواردی که تمام دارایی بدهکار برای ایفای طلب «طلبکار

محکوم له در حکم قضایی^۱، کفایت نکنند، در جهت جبران خسارت طلبکار، بتوان برای او نفع بیمه‌پذیر در تمام دارایی بدهکار قائل بود؛ اما این دعوا به مورد خاصی محدود می‌شود که در آن، بدهکار فوت می‌کند و شخصیت حقوقی وی خاتمه می‌یابد، از سوی دیگر دارایی منقول او برای ایفای دیونش کافی نیست و منبع پرداخت بدهی وی تنها مال غیرمنقول معینی است که تماماً تکافوی مطالبات باقی‌مانده را خواهد کرد (Porter et al., 1933).

در این فرض گفته شده است که با وجود آنکه حق طلبکار نسبت به دارایی بدهکار، حقی کلی است و دارایی باقی‌مانده، وثیقه کلی و عمومی طلب است نه وثیقه خاص، اما با وجود این می‌توان نسبت بدان مال، نفعی بیمه‌پذیر برای طلبکار منظور نمود و به او اجازه تحصیل بیمه‌نامه نسبت بدان مال را اعطا کرد (Macgillivray, 1990)؛ زیرا هر چند طلبکار مزبور، وثیقه خاصی نسبت به آن مال معین ندارد ولی امید دارد تا طلب خود را از همان جزء باقی‌مانده وصول کند، در این صورت چه تفاوتی میان شخص اخیر با طلبکار با وثیقه متصور خواهد بود؟ در حالی که هر دو تنها امید ایفای دین از تنها دارایی باقی‌مانده مدیون را دارند؟ با توجه به آنچه گفته شد فرض این حکم را باید به شرایط و مقتضیات خاصی محدود کرد و فی‌الجمله نمی‌توان برای طلبکار عادی، نفعی بیمه‌پذیر در تمام دارایی بدهکار یا در جزء خاصی از آن ملحوظ داشت.

در همین رابطه در قضیه «کرید^۲» نیز دادگاه بین طلبکار با وثیقه و غیر آن قائل به تفصیل شد (Kixmiller and Spencer, 1915). در دعوای «کرید»، فوت بدهکار و خاتمه حیات حقوقی وی و از سویی عدم کفایت دارایی وی برای ایفای تمام دیون او، موجب فرض نفع بیمه‌پذیر در دارایی او به سود طلبکار تلقی گردید. زیرا بدهکار ورشکسته یا فوت‌شده‌ای که دارایی او برای ایفای دیونش کافی نباشد،

1. Judgment Creditor

2. Creed v. Sun Fire Office of London

طلبکار را از اقامه دعوی مستقیم علیه شخصِ او محروم می‌سازد و او را در مقابل شخصیت حقوقی دارایی متوفی یا ورشکسته مستحق می‌کند، لذا به جهت همین حق، اقامه دعوا مستقیم علیه دارایی بدهکار و به دلیل آنکه اموال به جا مانده تنها وثیقه طلب مورد ادعاست، می‌توان نفعی بیمه‌پذیر بر اموال بدهکار برای طلبکار متصور دانست. این در حالی است که در فرض حیات بدهکار یا عدم توقف وی، با توجه به امید به تدارک و تجدید مداوم دارایی او، طلبکار تنها رابطه‌ای شخصی و غیر عینی با بدهکار دارد که او را از تحصیل بیمه‌نامه بر دارایی بدهکار بی‌نصیب می‌سازد.

اعمال این تفکیک در حقوق داخلی نیز دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. بدین معنی که پس از مرگ، شخصیت حقوقی ترکه به دارایی ورثه نمی‌پیوندد و تا تصفیه کامل دیون و وصایا و نهایتاً تقسیم میان وراثت، واحدی مستقل و یکپارچه است که قابلیت تغییر و تصرف را با مرگ متوفی از دست داده است و تنها وثیقه مطالبات طلبکاران محسوب می‌شود و می‌تواند در صورت محدود بودن دارایی به جا مانده بدهکار، موجب نفعی بیمه‌پذیر برای طلبکار تلقی شود. در حالی که طلبکار در فرض حیات بدهکار، حق عینی نسبت به مال مدیون ندارد و تنها راه استیفای طلب، مراجعه مستقیم به شخص بدهکار است. در صورت فوت شخص مزبور، امکان مراجعه مستقیم به ترکه مدیون، او را نسبت به دارایی بدهکار، صاحب نفع بیمه‌ای می‌گرداند.

بنابراین هر چند طلبکاران اعم از عادی و ممتاز بر دارایی بدهکار حق تعقیب ندارند و حق آنان بر عین یا منفعت خاصی تعلق نمی‌گیرد، اما در موارد خاص که به علت فوت یا ورشکستگی بدهکار، دست مدیون از اداره و تصرف در دارایی خود کوتاه است، حق طلبکار زمینه ناقصی از حق عینی را پیدا می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۹) و می‌تواند وثیقه طلب طلبکاران و به منزله حق عینی تحت تعقیب قرار گیرد و به طلبکار، حقی شبه‌عینی اعطا کند.

مفهوم وسیع نفع در ماده ۶-۱۲۱ قانون بیمه فرانسه نیز به طلبکار عادی اجازه می‌دهد بر دارایی متعلق به بدهکار خود، قرارداد بیمه منعقد کند. در واقع این ماده، نفع در عدم کاهش دارایی مثبت بیمه‌گذار و ضرری را که از عدم ایفای طلب متحمل می‌شود، موجد نفعی بیمه‌پذیر معرفی می‌نماید. البته تنها به شرطی که طلب وی حقیقتاً در معرض خطر باشد. لذا تحصیل بیمه نسبت به دارایی بدهکاری که میلیون‌ها دلار در بانک دارد، به دلیل فقدان نفع در معرض خطر، ممکن نیست (Provost, 2009).

• **دیون ممتاز:** در قوانین ایران نخستین بار این نوع از دیون با الهام از حقوق فرانسه در پاره‌ای از مواد قانونی از جمله ماده ۸۶۹ قانون مدنی و ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مورد اشاره و توجه قرار گرفت. دیون ممتاز در اصطلاح حقوقی، به دیون دارای حق تقدم تعبیر می‌شود که به دارنده خود، حق تعقیب اعطا نمی‌کند و صرفاً متضمن حکم قانون مبنی بر تقدم در وصول طلب است. با این وجود قانون‌گذار در تعریف و توجیه این تأسیس حقوقی از روش واحدی تبعیت ننموده است.^۲ در حقوق فرانسه طلب ممتاز از اقسام وثایق عینی محسوب می‌شود که ممکن است بر اموال بدهکار برقرار شود و حتی به تصریح ماده ۲۰۹۵ قانون مدنی فرانسه بر حق مرتهن تقدم دارد. لکن حکم این قضیه در حقوق ایران نارسا و مبهم است و قوانین پراکنده در رابطه با این نوع از دیون و تقدم و تأخر آن بر حق دارندگان وثیقه، موضع روشنی ندارد (دهقانی، ۱۳۸۹). بارزترین مصداق این تشبث را می‌توان در دیون ممتاز دریایی مشاهده نمود. ماده ۲۹ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ حقوق ممتاز را به ۵ طبقه تقسیم می‌کند که حقوق هر طبقه بعد رجحان دارد. مطابق این ماده دیون ممتاز نسبت به

1. Privilege Debt

۲. این ناهماهنگی ماهوی حتی به صورت اختلاف در به کارگیری اصطلاح مناسب برای این دسته از دیون نیز قابل مشاهده است. چه آنکه در ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی از آن به عنوان «طلب ممتاز» یاد می‌کند و در ماده ۲۴ قانون کار از عبارت «دیون ممتاز» بهره می‌برد. حال آنکه در قانون دریایی در ماده ۳۶ از هر دو اصطلاح استفاده می‌کند. ر.ک به: ایزانلو و میرشکاری، ۱۳۹۱

کشتی و کرایه حمل در سفری که این حقوق طی آن ایجاد شده و نسبت به ملحقات کشتی و ملحقات کرایه حمل (موضوع ماده ۳۵ قانون دریایی) که از شروع سفر ایجاد شده است، برقرار می‌گردد. هرچند بر اساس تعریف، دیون ممتاز به طلبکار تنها حق تقدم اعطا می‌کند اما به موجب ماده ۳۰ قانون دریایی، حقوق ممتاز مندرج در ماده ۲۹ حتی نسبت به حقوق ناشی از رهن کشتی و همچنین بر سایر حقوق مندرج در قوانین دیگر رجحان دارد.

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار ماهیت حقوقی دیون ممتاز دریایی را به صراحت معین ننموده است و در ماده ۳۸ این قانون برای این نوع از حقوق، خاصیت حقوق عینی (حق تعقیب) نیز قائل شده است به نحوی که انتقال کشتی را مؤثر در حقوق ممتاز نمی‌داند و به علاوه در ماده ۳۰، استیفای دیون ممتاز را مقدم بر حقوق عینی اعلام می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۹).

لذا با توجه به موضع قانون‌گذار ایران در خصوص ماهیت دیون ممتاز دریایی، باید بر این نظر بود که دارندگان حقوق ممتاز دریایی به حکم قانون از نوعی از حقوق عینی نسبت به کشتی و کرایه حمل برخوردار هستند که به آنها نفع بیمه‌پذیر برای تحصیل بیمه‌نامه اعطا می‌کند.

نمونه دیگری از حقوق ممتاز که چهره‌ای از حق عینی تبعی را در خود دارد، دین ممتاز بیمه‌گذار در برابر بیمه‌گر است که به موجب ماده ۳۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، بیمه‌گر را در مقابل هر گونه طلبکاری نسبت به مطالبه حق بیمه بر مال بیمه‌شده دارای حق تقدم معرفی می‌کند به گونه‌ای که بیمه‌گر را حتی بر طلبکار دارای سند رسمی مقدم می‌شمارد. تقدم این حق بر سند رسمی که دارای قدرت اجرایی است، نشان می‌دهد که حق بیمه‌گر بر مال مورد بیمه از جنس حق عینی تبعی است (دهقانی، ۱۳۸۹). لذا تصور نفع بیمه‌پذیر برای بیمه‌گر نسبت به تحصیل بیمه‌نامه بر مال مورد بیمه خالی از وجه نخواهد بود.

متصدی حمل و نقل نیز به دلالت ماده ۳۸۴ قانون تجارت، از بابت مطالبات و هزینه‌های حمل، حق ممتاز و نوعی حق حبس نسبت به مال‌التجاره به دست می‌آورد تا در صورت خودداری از پرداخت این مطالبات، متصدی بتواند با فروش اموال مزبور، هزینه‌های خود را دریافت دارد (فرحناکیان، ۱۳۸۹).

در حقوق انگلستان نیز متصدی نسبت به مال‌التجاره و به سبب حق وثیقه‌ای که برای او از بابت مطالبات وی در نظر گرفته شده نفع بیمه‌پذیر فرض گردیده است. بدین معنی که شخصی که در رابطه با کالاهای سپرده شده به او، خدمتی از قبیل حمل یا نگهداری و مانند آن را متعهد گردیده است، نسبت به کالاهای در تصرفش نوعی حق وثیقه دارد که به او اجازه می‌دهد صرف‌نظر از مسئولیت حقوقی خود در قبال مالک کالاهای مزبور، نفعی شخصی در انعقاد قرارداد نسبت به اموال مزبور، به نام و به سود خود و به میزان مطالبات ایفا نشده و نه فراتر از آن به دست آورد (Macgillivray, 1990).

با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌شود نمونه دیون ممتاز با رنگ و بوی حقوق عینی تبعی در نظام حقوقی ما کم نیست. لذا اعلام حکم کلی در خصوص قابلیت تحصیل بیمه نسبت به تمامی حقوق ممتاز ممکن نمی‌باشد. به علاوه لازم است برای تعیین نفع بیمه‌پذیر در رابطه با حقوق ممتاز، هر یک از این نوع از حقوق را به تفکیک بررسی و در رابطه با امکان تحصیل بیمه‌نامه نسبت بدان جداگانه اتخاذ تصمیم نمود که انجام این مهم و بررسی هر یک از این دیون و انطباق آن با حقوق دارای وثیقه، با توجه به تنوع این نوع از حقوق در مواد قانونی پراکنده، از حوصله این مجال، بیرون است.

• **نفع سهام‌دار در دارایی شخصیت حقوقی شرکت:** در حقوق انگلیس مباحث جدی پیرامون اعتبار بیمه‌نامه‌های سهام‌داران نسبت به دارایی شرکت مطرح گردیده است. معروف‌ترین رأی در رویه قضایی این کشور به قضیه «مکاورا»^۱ مربوط

می‌شود. قضیه از این قرار بود که مکاورا تمام الوارهای موجود در ملک خود را در مقابل ۲۲۰۰۰ سهام یک پوندی که تنها سهام‌های صادره توسط آن شرکت بودند، فروخت و سپس الوارها را در مقابل آتش‌سوزی بیمه کرد. اما درحالی‌که هنوز ۱۹۰۰۰ پوند از شرکت طلبکار بود، اکثر الوارها در حادثه آتش‌سوزی، طعمه حریق شد.

پس از اقامه دعوی «مکاورا» علیه شرکت بیمه، دادگاه، وی را فاقد هرگونه نفع بیمه‌ای در الوارها تلقی کرد. به زعم دادگاه، مکاورا از هیچ یک از انواع حقوق عینی نسبت به دارایی شرکت برخوردار نبود و نه تنها به عنوان سهام‌دار شرکت بلکه حتی در جایگاه طلبکار نیز نفعی بیمه‌پذیر در اموال متعلق به شرکت نداشت هر چند به واسطه این حادثه، ارزش سهام وی به شدت کاهش یافته بود (Birds and Hird, 2001).

این در حالی است که بردز و هرد^۱ با استناد به آرای که در سال‌های ۱۸۶۷^۲ و ۱۹۲۰^۳ صادر شده (Macgillivray, 1990) برای طلبکار یا سهام‌دار شرکت نیز «نفع واقعی اقتصادی»^۴ در نظر می‌گیرند و نتیجه عملی تصمیم «مکاورا» را قابل اغماض تلقی می‌کنند.

به علاوه با وجود موضع فوق در رابطه با قضیه مکورا، حقوق انگلیس، گهگاه حتی در فقدان نفع عینی در موضوع بیمه، نفع بیمه‌پذیر را بازشناسی نموده است. همچنین با توجه به کاربرد واژه «رابطه» در ماده ۵ قانون بیمه ۱۹۰۶، امکان تفسیر موسّع از مفهوم نفع، هموارتر می‌گردد. ضمن اینکه ماده ۸ قانون مزبور نیز به صراحت «نفع جزئی» از هر نوع را بیمه‌پذیر می‌داند و این امر دیدگاه اخیر را بیشتر

1. Birds and Hird, 2001

2. Wilson v. Jones (1867), L.R. 2 Ex. 139

3. Waterkeyne v. Eagle star Insurance Co. (1920), 5 L.L.R. 42, 43.

4. Real Economic Interest

تقویت می‌کند.^۱ ضمن اینکه در برخی دعاوی، وجود نفع بیمه‌ای به صورت حق بیمه‌گذار در اقامه دعوا در رابطه با موضوع بیمه‌شده تفسیر و تعبیر شده‌است.^۲

در حقوق ایران هر چند سهام‌دار نسبت به سهم‌الشرکه خود صاحب حق مالی قابل مبادله است، اما نسبت به اموال متعلق به شرکت نمی‌توان برای او حقی عینی قائل بود؛ زیرا پس از آوردن حصه در شرکت، مال مزبور به شرکت منتقل شده و سهام‌دار را تنها طلبکار شرکت می‌سازد. هر چند طلب مزبور متضمن حق دخالت سهام‌دار در اداره شرکت است و سهام‌دار، پس از انحلال شرکت نسبت به حصه منتقل شده، حق مالی در مقابل شرکت خواهد داشت (اسکینی، ۱۳۸۷)، اما جدایی شخصیت حقوقی شرکت و اعضای آن، مانع از امکان انعقاد قرارداد بیمه نسبت به دارایی شرکت از سوی سهام‌دار خواهد بود. به عبارت دیگر در شرکت تجاری، اصل اختصاص دارایی، حکومت دارد که به موجب آن، دارایی شرکت و شرکا از یکدیگر مجزا خواهد بود (فرحناکیان، ۱۳۸۹).

۴-۳. مسئولیت حقوقی

موضوع بیمه مسئولیت، تأمین بدهی ناشی از مسئولیت حقوقی بیمه‌گذار از سوی بیمه‌گر است. همان‌گونه که گفته شد نگرانی از افزایش دارایی منفی مسئول حادثه، موجب نفع بیمه‌پذیر برای شخص مسئول خواهد بود. ماده ۴ قانون بیمه ایران برای بیمه‌گذار در قبال مسئولیت‌های حقوقی اش، نفعی بیمه‌پذیر را اعلام می‌دارد. ماده ۵ همین قانون برای نماینده صاحب مال یا شخص ذینفع و همچنین امین مأذون از طرف مالک، حق تحصیل بیمه‌نامه را ملحوظ داشته است. این ماده، ناظر به مفهوم نفع بیمه‌ای در حوزه اموال است که در انتهای آن به جواز تحصیل بیمه اموال

1. Moran Galloway & Co v. Uzielli (1905) 2 KB 555

۲. در همین رابطه و در تأیید نفع بیمه‌ای سهام‌دار، دیوان عالی کانادا در سال ۱۹۸۷ در حکمی بی‌سابقه برای سهام‌دار، نفع بیمه‌پذیر در اموال شرکت منظور نمود؛ بدین توجیه که ارزش دارایی شرکت مستقیماً بر ارزش سهام شخص مزبور تأثیر می‌گذارد. ر.ک به:

توسط امین تصریح دارد. ذیل ماده مزبور، بیمه‌گذار را در هیئت شخصی قابل تصور می‌داند که مسئولیت حفظ مال را از طرف صاحب آن بر عهده دارد. مصداق بارز این ماده، تمامی فروض مسئولیت امین را شامل می‌شود.

اشخاصی همچون امین، درحالی‌که ممکن است نفع محدودی در حفظ مال به جهت منافع شخصی خود داشته باشند، در قبال مالک کالای سپرده شده یا در مقابل سایر ذینفعان قرارداد، مسئولیت حفاظت از آن را برعهده‌دارند؛ از همین رو نفع امین را می‌توان به میزان تمامی ارزش کالای مورد امانت، بیمه‌پذیر دانست. در این صورت شائبه شرط‌بندی بر نفع دیگری را می‌توان بدین نحو توجیه کرد که هر چند بیمه‌گذار در کالای مورد بیمه، نفع بیمه‌ای محدودی داشته اما هیچ‌گاه بیش از میزان ارزش نفع خود را به غنیمت نمی‌برد زیرا در صورت وقوع ضرر و دریافت خسارت به قیمت کل کالا، شخص مزبور به‌عنوان امین مالک، موظف است پس از جبران خسارت از خود، آنچه را که مازاد از خسارت وارده به خود دریافت نموده است به مالک مسترد دارد تا بدین نحو اصل جبران خسارت نیز تأمین گردد (Porter et al., 1933).

لذا در هر مورد که کالایی به عنوان امانت به دیگری سپرده می‌شود، مطالبه خسارت به میزان کل ارزش مال، امری پذیرفتنی و مطابق با مقتضیات تجاری است تا بدین نحو، تحویل‌گیرنده کالا بتواند در مقابل هرگونه مسئولیت راجع به تقصیرات خود، حاشیه امنی برای خود تحصیل کند. در واقع در تمامی مواردی که کالایی برای حفاظت به بیمه‌گذار سپرده می‌شود، درجه‌ای از مسئولیت برای او ایجاد می‌کند که می‌تواند نفعی شخصی به میزان مسئولیت برای او رقم بزند.

در حقوق انگلستان نیز گفته شده است که امین در کالایی که به او سپرده می‌شود نه تنها به میزان کلیه هزینه‌هایی که از بابت اجاره‌بها یا هزینه‌های خدماتی آن بر عهده اوست، بلکه از بابت مسئولیت خود در قبال مالک، نفع بیمه‌پذیر دارد (Macgillivray, 1990).

۴. نتیجه‌گیری

- در مورد بیمه خسارت با توجه به مصادیق نفع بیمه‌پذیر و دکترین جاری در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه، نفع بیمه‌ای را تنها به صورت نفع مادی می‌توان تصور کرد؛ نفعی که در بازار قابل ارزیابی و تبدیل به پول باشد. لذا وابستگی‌های اشخاص به اموال یا تألمات عاطفی ناشی از فقدان مال را نمی‌توان نفع بیمه‌پذیر تلقی و آن را تحت پوشش بیمه قرار داد.

- برای مقابله با قماری شدن قرارداد بیمه، وجود نفع بیمه‌ای برای «ذینفع» قرارداد کفایت می‌کند، هرچند بیمه‌گذار فاقد چنین نفعی باشد.

- لازم به ذکر است که نفع بیمه‌ای در سیستم‌های حقوقی مختلف به تدریج از مفهوم مضیق حق عینی فاصله گرفته و آنچنان که در حقوق فرانسه مطرح است با توجه به قید نفع «غیرمستقیم» در اشکال متنوعی قابل تصور است؛ به طوری که نفع دارنده حق عینی (صاحب حق انتفاع یا ارتفاق، مرتهن، طلبکار دارای وثیقه و...) یا طلبکار در بیمه اعتباری یا مسئول حادثه از بابت بدهی در بیمه مسئولیت را نیز شامل می‌شود.

- در حقوق ایران هر چند چنین عمومیتی از مفهوم نفع با توجه به عبارت «هر گونه حق مالی» مصرح در ماده ۴ قانون بیمه دور از ذهن نیست، اما لازم است موارد مورد نیاز و مصادیق ضروری آن با توجه به مقتضیات نظام حقوقی کشور به درستی و با دقت حقوقی تعیین و دایره اعمال و شمول آن مشخص گردد.

- بی‌تردید حقوق عینی اعم از حقوق عینی اصلی و تبعی می‌تواند به عنوان نفع بیمه‌پذیر تلقی شود. از این رو اشخاص دارنده این حقوق برای تحصیل بیمه‌نامه با مانعی قانونی مواجه نمی‌باشند.

- در رابطه با حقوق دینی و امکان تلقی نفع بیمه‌ای در این دسته از حقوق، لازم است حقوق طلبکاران عادی در زمان حیات حقوقی بدهکار و پس از آن به طور جداگانه مورد توجه قرار گیرد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که در سایه این تفکیک

حتی برای طلبکاران عادی با وجود شرایط خاص، تصور نفع بیمه‌پذیر در دارایی مدیون دور از ذهن نیست.

- تصور نفع بیمه‌پذیر برای انعقاد قرارداد بیمه اشیا نسبت به مال معینی از بدهکار برای طلبکار ممتاز بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا بنابر تعریف، دارنده طلب ممتاز تنها بر بخش مثبت دارایی مدیون حق تقدم دارد و این امر وجه تمایز این نوع طلب از حقوق وثیقه‌ای می‌باشد و طلبکار را از حق تعقیب مال در هر وضعیت محروم می‌سازد. لذا امکان تحصیل بیمه‌نامه اشیا نسبت به مال معینی از بدهکار برای طلبکار ممتاز وجود ندارد.

- با این وجود در قوانین ایران ماهیت حق ممتاز طلبکار به صورت دقیق و روشن مورد توجه قرار نگرفته است و در قوانین پراکنده گاه با برخی حقوق ممتازه روبه‌رو می‌شویم که چهره‌ای از حق عینی تبعی به خود گرفته‌اند. نمونه بارز این نوع از حقوق را می‌توان در حقوق دریایی یا در قانون بیمه ایران ملاحظه کرد که حتی گاه به طلبکار ممتاز حقی فراتر از حق دینی - دارای حق تعقیب - اعطا می‌کند.

- با تصریح ماده ۴ و ۵ قانون بیمه ایران، مسئولیت حقوقی نیز می‌تواند موجب نفع بیمه‌پذیر برای بیمه‌گذار گردد. به عبارت بهتر ترس از افزایش دارایی منفی بیمه‌گذار است که او را در تحصیل قرارداد بیمه صاحب نفع بیمه‌ای می‌سازد.

منابع

۱. اسکینی، ر.، ۱۳۸۷. حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، تهران: سمت، ج ۱، ص ۱۲۴.
۲. ایزانلو، م.، ۱۳۸۹. تقریرات درس حقوق بیمه. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
۳. ایزانلو، م. و میرشکاری، ع.، ۱۳۹۱. طلب ممتاز. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۰، صص ۶۸-۳۷.
۴. بابایی، الف.، ۱۳۸۷. حقوق بیمه، تهران: سمت، ج ۷، صص ۱۲۵-۵۰.
۵. دهقانی، م.، ۱۳۸۹. دیون ممتاز در نظام حقوقی ایران، انتشارات جاودانه، صص ۱۲۴-۲.
۶. صادقی نشاط، الف.، ۱۳۷۲. حقوق بیمه دریایی، مؤسسه آموزش کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، صص ۳۲-۳۰ و ۷۸.
۷. فرحناکیان، ف.، ۱۳۸۹. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، میزان، چ ۳، صص ۴۹۸ و ۱۰۸.
۸. فولادگر، ف.، ۱۳۹۱. نفع بیمه‌پذیر در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در کامن لا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۱۳-۱۲، ۶۶.
۹. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۵. دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، میزان، چ ۱۳، ص ۱۵.
۱۰. محمودصالحی، ج.ع.، ۱۳۶۷. فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، تهران: سازمان صنایع ملی ایران، چ ۱، ص ۲۸۰.
11. Best Jr, F.L., 1986. Defining insurable interest in live. *Tort & Insurance Law Journal*, 22(104), p. 105.
12. Birds, J. and Hird, N.J., 2001. *Bird's modern insurance law*, London: Sweet & Maxwell, 5th Ed, pp. 52-55.
13. Goble, G.W., 1931. *Cases and other materials on the Law of Insurance*, p. 717, <http://www.americanterm.com/history/insurance-law/insurance-law_0759.htm> [Accessed 5 June 2012].
14. Groutel, H. and, Leduc, F., 2008. *Traité du contrat du D'Assurance terrestre*, Lexinexis Paris: Lites, p. 785.

15. Ivamy, H., 1972. *Casebook on insurance law*, London: Butterworths, 2nded, p.1.
16. Kixmiller, W. and Spencer, W. H., 1915. *Business law - case method*, <<http://chestofbooks.com/business/law/Case-Method/5-The-Insurable-Interest-Of-A-Creditor-In-The-Property-Of-His-Debtor.html#.UPHM1dLXMw>> [Accessed 8 feb 2012].
17. Macgillivray, E.J., 1990, *Macgillivray & Parkington on insurance law*, London: Sweet & Maxwell, 8th ed, pp. 50-71.
18. Noussia, K., 2008. Insurable interest in marine insurance contracts: Modern commercial needs versus tradition. *Journal of Maritime Law & Commerce*, 39(1), p. 83.
19. Patterson, E.W., 1918. Insurable interest in life, *Columbia Law Review*, 18(5), p. 385.
20. Porter, J.B., Craies, W.F. and Morgan, T.W., 1933. *The laws of insurance: Fire, life, accident, and guarantee, embodying cases in the English, Scotch, Irish, American, Australian, and Canadian courts*, London: Sweet & Maxwell, Limited, pp. 72 & 56.
21. Provost, M., 2009. *La notion D'intérêt D'assurance*, Paris: LGDJ, pp. 195 -200.